

چالش‌های مقاومت از منظر قرآن کریم

سید محسن آل نبی (نویسنده مسئول)^۱محمد صادق یوسفی مقدم^۲

چکیده

مقاومت از مفاهیم محوری قرآن است که میدان معنایی گسترده‌ای در کلام وحی دارد. سه دسته از آیات با مدلول لزوم مقاومت، تبیین پیامدهای مثبت مقاومت و ارائه چالش‌های فراروی مقاومت قابل شناسایی است. این پژوهش با تمرکز بر دسته سوم، در پی پاسخ به این پرسش است که از منظر قرآن چالش‌های فراروی مقاومت کدام است؟ (مسئله) مفروض این است که مقاومت از حیث منطقی و با رویکرد واقع‌گرای قرآن با برخی چالش‌ها همراه است. (فرضیه) و با کاربری نظریه معناشناسی در بافت درون متنی با تمرکز بر ماده مقاومت و واژگان هم‌نشین در پی دریافت معنای مقاومت و چالش‌های آن و با هدف تعمیق و گسترش ادبیات مقاومت از زمره تحقیقات توسعه‌ای است (روش) دیر بازده بودن مقاومت، بزرگ انگاری دشمن، باز تولید شبهه‌ها، اختلاف، ناتوانی در تصمیم‌گیری و بدگمانی به وعده‌های الهی را می‌توان به عنوان برخی از چالش‌های ادراکی و رفتاری مقاومت از نگاه قرآن یاد کرد. (یافته)

کلیدواژه‌ها: قرآن، مقاومت، چالش، چالش‌های ادراکی، چالش‌های رفتاری

۱. دکترای انقلاب اسلامی، گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

smallnabi@ut.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-9559-3210>

۲. دانشیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

مقاومت هرچند به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی از ابتدای نزول وحی با زندگی پرفرازونشیب مسلمانان عجین بوده است و اولیای دین آن را مایه کرامت و بزرگی افراد دانسته‌اند؛^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۴: ۳۳۳) اما اقتضائات عینی امروز جامعه ما و مواجهه همه‌سوی قدرت‌های استکباری، مقاومت را فراتر از یک آرمان و ایده‌آل، به الزامی غیرقابل اجتناب بدل کرده است؛ به‌گونه‌ای که مقاومت پیوند و ارتباطی نزدیک با آرمان‌ها و علایق پایدار نظام اسلامی دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری: وظیفه ما این است که ما کشور را، هم نیرومند کنیم، هم مقاوم کنیم؛ قدرت کشور را بالا ببریم و آن را مقاوم‌سازی کنیم. (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹) از سوی دیگر، در فضای کنونی جامعه ما به دلیل ارتباط این موضوع با زندگی روزمره مردم، حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی را برانگیخته و برخی با برجسته کردن مخاطرات و چالش‌های مقاومت برآند برخی مشکلات و تنگناها را به‌عنوان پیامدهای مقاومت ذکر نمایند. از این رو واکاوی چالش‌ها و مشکلات مقاومت از نگاه قرآن می‌تواند تا حدی در تحلیل دقیق و درست چالش‌ها و پیامدهای مقاومت راهگشا باشد.

ضرورت تحقیق

۱. تمرکز بر مفاهیم و آموزه‌های قرآن و کوشش در جهت بازگرداندن آن‌ها به متن زندگی فردی و اجتماعی، مستلزم تحقیق و واکاوی مفهومی و بازتعریف مجدد آن‌ها در ظرف اجتماعی معاصر و متناسب با تحولات اجتماعی است.^۲

۲. یکی از عناصر اصلی مقاومت و تداوم آن، توده مردم و نقش آن‌ها در مقاومت است. از این رو توسعه و ترویج فرهنگ مقاومت به‌ویژه با تکیه بر مبانی قرآنی و در قالب ادبیات دینی آن‌هم در گستره وسیع اجتماع ضروری است. در آیه فَاَسْتَقِمُّ کَمَا أُمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ (هود/۱۱۲) خداوند استقامت و پایداری امت را از پیامبر درخواست کرده است و پیامبر را مسئول پایداری امت دانسته است. برخی در وجه این درخواست از پیامبر توضیح داده‌اند که کسانی که از نظر

۱. علی علیه‌السلام: عَلَیْکَ بِمَنْهَجِ الْإِسْتِقَامَةِ فَإِنَّهُ یُکَسِبُکَ الْکِرَامَةَ وَ یُکَفِّیکَ الْمَلَامَةَ.

۲. به نظر برخی از مفسرین، استقامت، خلاصه تمام عقیده، شریعت و اخلاق اسلام است (ان‌الاسلام بعقیده و شریعت و أخلاقه بتلخیص بکلمة واحدة، و هی الاستقامة). (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۷۳/۴ و ۲۷/۱)

اجرائی و نه ابلاغی در جامعه سرپرستی دارند، این‌ها مسئول عمل کسانی هستند که تحت سلطه آنان قرار می‌گیرند و باید بستر را برای این‌که افراد تحت سرپرستی او به دستورات الهی عمل کنند را فراهم سازند. رک: (تهرانی، ۱۳۹۲: ۵/۱۷۵؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۴: ۴۱۲)

پیشینه پژوهش

در موضوع مقاومت از منظر قرآن مقالات و پژوهش‌های مختلفی از قبیل بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن، بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن، استقامت و پایداری در قرآن، ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات، قرآن خاستگاه عزت و مقاومت، آثار و دستاوردهای مقاومت از منظر قرآن کریم، رابطه عزم ملی و تقویت مقاومت اسلامی از نگاه قرآن نوشته و منتشر گشته است که هر یک از زاویه و با رویکردی خاص درصدد تبیین و چستی مقاومت، ویژگی‌ها، آثار و پیامدهای آن در عرصه زندگی فردی و اجتماعی برآمده‌اند. همچنین همایش‌هایی در سال‌های اخیر با همین عنوان برگزار شده، اما تبیین مقاومت در منطق قرآن با تکیه بر نظریه معناشناختی و بررسی چالش‌ها و تنگناهای مقاومت از منظر قرآن موضوعی است که مورد واکاوی تحقیق حاضر قرار گرفته است.

چارچوب مفهومی

نظریه معناشناسی که در مطالعه دلالت درون زبانی از سوی برخی از اندیشمندان ارائه شده، توسط توشیهیکو ایزوتسو در پژوهش‌های قرآنی به‌عنوان یکی از روش‌های مطالعاتی قرآن کریم به کار گرفته شده است. طبق این نظریه هر یک از واژگان کانونی قرآن مجید یک میدان معنایی دارند که در تداخل این میدان‌ها و ارتباط میان آن‌ها، مفاهیم و کلمات قرآنی بهتر و دقیق‌تر شناخته می‌شوند. (ایازی و پور افخم، ۱۳۹۳) نکته مهم در نظریه ایزوتسو این است که هر یک از واژگان کلیدی در بافت درون‌متنی قرآن معنا و مفهوم می‌یابد تا آنجا که قرآن خود مفاهیم را تبیین می‌کند. (رک: شهیدی، ۱۳۸۸) در این تحقیق ابتدا با تمرکز بر مفهوم مقاومت در قرآن کریم، که گاه صریحاً با ماده «ق و م» و مشتقات آن به‌کاررفته است و گاه با واژگان مرتبط همانند ثبات، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاغْلِبُوا (انفال/۴۵؛ بقره/۲۵۰) (طوسی، بی تا: ۲/۲۹۸؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱/۵۷۳)؛ مرصوص، كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ (صف/۴) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۴۱۸)

تبدیل ناپذیری و ما بَدَلُوا تَبْدِيلًا (احزاب/۲۳) (آل غازی، ۱۳۸۲: ۴۶۳/۵) صبر، وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَيَّ مَا أَذَيْتُمُونَا (ابراهیم/۱۲) عزت، وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (یونس/۶۵) جهاد، يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ (توبه/۷۳) استواری و قیام برای خدا، قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى (سبا/۴۶) نفی سبیل، لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء/۱۴۱) و یا مفهوم مخالف ما ضَعُفُوا وَا مَا اسْتَكُنَّا (آل عمران/۱۴۶) آمده است، درصدد دریافت معنای مقاومت در بافت درون متنی قرآن برآمده ایم. مقارنت و هم نشینی مفاهیم گفته شده نشانه پیوند و ترتب آنان در بستر آیات وحی است و سازه‌ای در قالب سه عنصر عامل (فاعل مقاوم)، مانع (ضد یا دشمن) و هدف را به خوبی ترسیم می‌کند.

واژه مقاومت در بافت درون متنی قرآن

ریشه «قوم» و مشتقات آن از قبیل مقاومت در لغت عرب دارای معانی مختلف از قبیل اعتدال (توسط)، (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۰۱۷/۵) (الزبیدی، ۱۴۱۴: ۵۹۲/۱۷)، استمرار، (ابی هلال، ۱۴۱۷: ۵۱)، (الفراهیدی، ۱۴۱۴: ۶۹۴)، ثبات و پایداری، (ابن اثیر، ۱۳۶۴ ش: ۱۲۵/۴) آمده است و در لغت فارسی پافشاری، ایستادگی و نوعی تقابل در برابر دیگری تعبیر شده است. در فرهنگ فارسی عمید مقاومت اسم مصدر و به معنای ایستادگی کردن، باکسی در امری برابری کردن و ضدیت کردن (عمید، ۱۳۶۹: ۱۸۳۶/۲) و در لغت‌نامه دهخدا ایستادگی، برابری و پافشاری ذکر شده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۸۱۱/۱۳)

به گفته برخی از مجموع آیات قرآن که واژه مستقیم و مشتقاتی از این ماده در آن‌ها دیده می‌شود و نیز با توجه به تفسیر و توضیحی که مفسران قرآن گزارش کرده‌اند به این نتیجه می‌رسیم که توسط و اعتدال و میانه‌گزینی در امور، حقیقت مفهوم استقامت در قرآن را ارائه می‌کند. «(حجتی، ۱۳۶۵: ۱۹۸) ایشان به برخی از آیات از جمله وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانِ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان/۶۷) استناد می‌کند که آیه دو حد ممدوح و مذموم بذل را بیان می‌کند و با تعبیر «قواما» خواسته است که مسلمانان در بذل و بخشش میانه‌روی را برگزینند. این نویسنده کلمه «قیم» که در برخی از آیات قرآن به چشم می‌خورد را به معنای امری دانسته است که عاری از اعوجاج و انحراف باشد و نیز کلمه «قوام» به فتح قاف در آیات قرآن به معنای عدل و اعتدال است «و اومه قائمه» یعنی امتی که مستقیم و معتدل هست. (همان، ۱۹۲) در نهایت این نویسنده

آیه فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ (هود/۱۱۲) را چنین معنا می‌کند: که بدان گونه که موظف و مأموری، در راه خویش معتدل و متوازن و پایدار باش. و همین جا بود که فرمود «شبیبتنی سوره هود». ایشان بخش بعدی آیه را که «وَلَا تَطْغَوْا» (طغیان نکردن) است، را نمایانگر وجود مفهوم اعتدال در فاستقم می‌داند. (همان، ۲۱۵-۲۱۶) و می‌افزاید به ندرت می‌توان کسی را یافت که در این دنیا به هیچ وجه دچار نوعی از انحراف از صراط مستقیم و راه معتدل نگردد. (مثلاً در امور اخلاقی در انفاق معتدل باشد و به بخل و اسراف نگراید) (همان، ۲۰۰) از کاربرد این واژه در برخی از روایات نیز ممکن است معنای اعتدال و میانه‌روی استظهار می‌شود. شیخ صدوق در معانی الاخبار روایتی را از امام معصوم (ع) نقل می‌کند که صراط مستقیم در دنیا عبارت از امر و حالتی است که پایین‌تر از غلو و بالاتر از تقصیر باشد، به عبارتی راست و مستقیم باشد و به هیچ طرف باطل منحرف نشود و اما صراط مستقیم در امر آخرت عبارت از راه مؤمنین فراسوی بهشت و سعادت جاوید است که به جهنم یا غیر آن متمایل نشود. (ابن بابویه صدوق، ۱۴۰۳: ۳۳) برخی از مفسرین برجسته اهل سنت نیز بدون استناد به اقوال لغویین فَاسْتَقِمْ در آیه را به توسط میان افراط و تفریط معنا کرده‌اند. (فخر رازی، ۱۸: ۴۰۶؛ آلوسی، ۶: ۳۴۵؛ زمخشری، ۲: ۴۳۲) برخی دیگر معتقدند که نمی‌توان برای ماده قوم معنای واحدی را در نظر گرفت؛ بلکه باید آن را متناسب با موصوف و یا مصناف الیه آن در نظر گرفت. مثلاً آنجایی که در مورد راه و صراط آمده است، به معنای مستقیم است؛ و آنجا که نسبت به افراد به کار رفته است به معنای لزوم و مداومت بر راه مستقیم است. با این توضیح، استقامت انسان، عبارت است از پایداری به تمام قوا و ارکان در برابر وظایفی که به وی روی می‌آورد، به طوری که کمترین نیرو و استطاعتش نسبت به آن وظیفه بی‌اثر نماند. این مفسر نسبت به قرینیت «وَلَا تَطْغَوْا» بر معنای اعتدال و میانه‌روی می‌افزاید: اگر منظور از امر به استقامت، امر به ملازمت اعتدال و دوری از افراط و تفریط می‌بود، مناسب‌تر آن بود که دنبال این امر، هم نهی از افراط و هم نهی از تفریط را بیاورد، و حال آنکه دنبال جمله مورد بحث تنها از افراط نهی کرده و فرموده: «وَلَا تَطْغَوْا». این که فرمود: «وَلَا تَطْغَوْا» معنایش این است که از خط مشی که فطرت و خلقت برای شما ترسیم کرده و از آن مرزی که برایتان تعیین نموده که همان عبودیت برای خدای یکتا است تجاوز نکنید، همچنان که امم قبل از شما تجاوز نمودند و کارشان منجر به شرک شد و سرانجام به هلاکت رسیدند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۴۸) چنان‌که آمد، براساس نظریه معناشناسی ایزوتسو و کاربرد ماده قوم در بافت درون‌متنی قرآن

این واژه در قرآن به معنای استمرار و ملازمت به کار رفته است و نتیجه آن پافشاری، ایستادگی و نوعی تقابل در برابر دیگری یا هواهای نفسانی است. این معنا در آیاتی از قبیل قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (یونس/۸۹)، إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (احقاف/۱۳)، إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ (فصلت/۳۰)، فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ (توبه/۷) و لَوْلَا أَنْ تَبَشَّرْنَاكَ لَقَدْ كُذِّتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (الإسراء، ۷۴) و لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبُّنَا أَفْرَغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (البقرة، ۲۵۰؛ الأنفال، ۱۲) ارائه شده است. با این توصیف استقامت، تعبیر جامعی است که ملازمت بر همه فضائل و نیکی‌ها را شامل می‌شود و اختصاص به مورد خاصی از قبیل رفتار و کردار، باور و عقیده، و یا منش اخلاقی ندارد. این معنا توسط برخی لغویین مثل زبیدی پذیرفته شده است. وی نسبت به آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت/۳۰) می‌گوید: أَى عَمِلُوا بِطَاعَتِهِ وَ لَزِمُوا سُنَّةَ نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ) وی استقامت را مطلق اطاعت از خداوند و ملازمت بر سنت پیامبر دانسته است. (الزبیدی، پیشین: ۱۷/۵۹۲) همچنین با جایگاه والای استقامت که برخی آن را ملازم با عصمت دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵/۳) سازگاری دارد. در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فردی به ایشان گفت: «اخبرنی بامر اعتصم به» دستوری بگو که به آن چنگ زدم و در دنیا و آخرت اهل نجات شوم پیامبر (ص) فرمود: «قل ربی اللّٰه ثم استقم» بگو پروردگار من اللّٰه است و بر این گفته خود بایست. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷/۱۶۱) علی (علیه السلام) در ذیل آیه إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا. (فصلت/۳۰) می‌فرماید: «وَقَدْ قُلْتُمْ رَبُّنَا اللَّهُ فَاسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَ عَلَى مِنْهَاجِ أَمْرِهِ» ایشان مخاطب در آیه را مؤمنین و متعلق استقامت را کتاب خدا دانسته است. با توجه به استناد استقامت به کتاب، ملازمت و همراهی با کتاب مراد است. (شریف رضی، ۱۴۱۴: خ ۱۷۶) چنان‌که در نقلی از اهل سنت فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ (هود/۱۱۲) استقم علی القرآن آمده است. در (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۳۵۱) به تعبیر ابن ابی الحدید مفاد این آیه همانند آیه دیگر قرآن إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا، (حجرات/۱۵) است که معنای استقامت در آیه ثبات و ملازمت است «أى ثم ثبتوا على الإقرار و مقتضياته» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۰/۲۷) در روایتی ابی بصیر می‌گوید: به حضرت ابی جعفر باقر علیه السلام گفتم قول خدا را إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا: البتّه آن‌هایی که گفتند

پروردگار ما خداست آن گاه به این گفته استقامت کردند؛ فرمود: قسم به خدا آن همین مذهب و عقیده‌ای است که شما بر آن هستید و اگر استقامت بر راه و طریقه حقّه (امامیه اثنی عشریه) نموده بودند ما آن‌ها را از آب فراوان سیراب می‌کردیم. (طبرسی، پیشین: ۵۶۰/۱۰) در روایت دیگر امام صادق (ع) نسبت به آیه وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَی الطَّرِيقَةِ لَأَشَقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن/۱۶) می‌فرماید: اگر استقامت ورزیدید و همچنان ملازم با ولایت امیر المومنین بودید، هرگز گمراه نخواهید شد. قال لو استقاموا علی ولایة [أمیر المؤمنین] علی بن أبی طالب (ع) ما ضلوا أبدا (فوات الکوفی، ۱۴۱۰: ۵۱۲) برخی از مفسرین همچون شیخ طوسی در تبیان (طوسی، ۱۷۶/۵ و ۷۸/۶) و مرحوم طبرسی در مجمع البیان فاستقم را به معنای استمرار و پایداری گرفته است. ایشان در ذیل آیه ۱۱۲ هود آورده است که فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ یعنی بر موعظه و بیم دادن و تمسک به طاعت حق و امر و دعوت بدان پایدار باش، و استقامت را همان ادای مأموریت و رساندن آن و جلوگیری از منهیات الهی دانسته چنان‌که در قرآن، مأمور به آن شده بود. (طبرسی، پیشین: ۵/۳۰۴) و برخی دیگر در ذیل آن الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا (احقاف/۱۳) آورده‌اند: منظور از استقامت ملازمت و استمرار در دنیا بر دین خدا و شریعت اسلامی است در باور و گفتار و رفتار. (مغنیه، پیشین، ۴۴/۷-۴۵)

با عنایت به معانی گفته‌شده، مقاومت در اصطلاح پافشاری و استمرار بر اصول است که مستلزم نوعی هماوردی و تلاش فعالانه معطوف به تغییر و تبدیل در رفتار طرف مقابل و طرد غیر است از این رو، ارتباط نزدیکی با قدرت و توانمندی برقرار می‌کند. مقاومت در این معنا، نوعی عاملیت برای انسان قائل است و متفاوت از معنای صبر و شکیبایی است که متضمن سکوت و توقف است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۰/۷) (جوهری، ۱۴۱۰: ۷۰۶/۲) در برخی روایات نیز صبر و استقامت به‌عنوان قسمی هم به‌کاررفته است علی‌علیه السلام می‌فرماید: «العمل العمل ثم النهایه النهایه و الاستقامه الاستقامه ثم الصبر الصبر و الورع و الورع ان لکم نهایه فانتھوا الی نهایتکم.» (شریف رضی، پیشین: خ ۱۷۱) برخی از مفسرین نیز به این تفاوت معنایی اشاره کرده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۶۹۷/۱۱؛ تهرانی، ۱۳۹۱: ۲۹/۵) البته برخی دیگر استقلال مفهومی آن دو را چنین توضیح داده‌اند که استقامت به معنای پافشاری در اصل دین و بیشتر مربوط به بعد فکری و اعتقادی است؛ اما صبر به معنای شکیبایی در دشواری‌ها و بیشتر ناظر به مقام عمل است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵۷۷/۲)

چالش‌های مقاومت در دو سطح شناختی-ادراکی و رفتاری قابل ارزیابی است. از منظر قرآن کریم نقطه شروع چالش‌ها از دگرگونی در شناخت و دستگاه ادراک فرد و جامعه شروع می‌شود و در کنش و رفتار بازتاب می‌یابد. به گفته برخی مفسرین تحیر و در راه ماندن، بیراهه رفتن و ضلالت و عمداً منحرف شدن و از روی عناد برخلاف حق رفتن همه ضد استقامت است (طیب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱/۱۱۹) که ابتدا ادراک انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ذیل ابتدا به چالش‌های شناختی-ادراکی اشاره می‌شود. این چالش‌ها هر چند در بستر زمان و تغییرات مداوم زندگی انسانی شکل‌های متنوعی به خود گرفته است، اما حقیقت و ماهیت همه آنان از یک منطق تبعیت می‌کند.

الف: چالش‌های ادراکی

۱. انهزام روحی

به منظور تضعیف روحیه و تزریق نومیدی به جامعه از گذشته تاکنون، شایعه‌ها و شبهه‌های زیادی در قالب جنگ روانی تولید می‌شود که بر تشویش ذهنی و اخلال در دستگاه محاسباتی فرد و اجتماع می‌افزاید. کارکرد عمده این قبیل اقدامات تخریب اعتماد عمومی، جبهه‌سازی و انزوای جریان مقاومت است که غالباً در زمان فشارهای اجتماعی و دوران سخت نسبت به افراد یا رویدادهایی مطرح می‌شوند که نسبت به آن‌ها علاقه‌مندی عمومی وجود دارد (رک: آرتور اس ربر، ۱۳۹۰: ۱۸۱۷)^۱ به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی در مقابل دشمن هم نباید دچار انهزام روحی شد.... انهزام روحی ضرر دارد؛ هرکسی که در درون خود منهزم شد، در صحنه، قطعاً منهزم خواهد شد. اولین شکست هر انسانی، شکست در درون خودش است که احساس کند نمی‌تواند، احساس کند فایده‌ای ندارد، احساس کند طرف قوی‌تر از او است، احساس کند من که از دستم کاری بر نمی‌آید؛ این انهزام روحی است. اگر این انهزام پیدا شد، آن وقت در صحنه، قطعاً شکست خواهیم خورد. (صلح میرزایی، ۱۳۹۷: ۲۴۳) قرآن کریم نسبت به حوادث صدر اسلام به گروهی از منافقان اشاره می‌کند که هر خبری مبنی بر پیروزی یا شکست

۱. که به گفته برخی پروژه خبرنگاران همراه (Embedded Reporters) از دل وزارت دفاع-پنتاگون-آمریکا درآمده رکنی مهمی در کنار اقدامات نظامی در جنگ‌های عراق و سوریه بوده که در زمینه پوشش خبری و شایعات نقش مهمی داشته است. (رک: صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۴۳ و ۶۹ و ۸۹)

مسلمانان را به سرعت و بدون ارجاع آن به پیشوایان و رهبران دینی خود در فضای جامعه منتشر می ساختند و إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ (نساء/۸۳) همچنین در غزوه احد پس از شکست مسلمانان (طوسی، بی تا: ۶/۳) منافقان قتل پیامبر (ص) را شایع کردند تا آنجا که برخی گفتند اگر او پیامبر بود کشته نمی شد پس به دین پیشین خود بازگردید. در پی این ماجرا، قرآن کریم در آیه وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ (آل عمران/۱۴۴) چنین سخنی را نادرست شمرده و گویندگان آن را توبیخ می کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۴۷/۲) در نتیجه کسانی که در پرتو شخص پیامبر پیش می رفتند و فاقد قدرت ایمانی و پیش برنده بودند، همین که چهره آن حضرت در میان درگیری جنگ پنهان شد و خبر کشته شدنش را شنیدند، در معرض جاذبه های جاهلیت قرار گرفتند انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ (آل عمران/۱۴۵) و بنا به برخی نقل ها با خود گفتند کاش فرستاده ای به سوی عبد الله بن ابی بفرستیم تا از ابی سفیان برای ما امان گیرد (عاملی، ۱۳۶۰: ۲۲۱/۲) و با این اقدام خود انگیزه مقاومت و پایداری دیگران را تضعیف می کردند و موضع دشمن را تقویت می نمودند.

۲. بزرگنمایی دشمن

در قرآن کریم به تناسب حوادث و اتفاقات صدر اسلام، مواردی چون بزرگنمایی از توانایی ها و امکانات دشمن و عدم نصرت الهی و در نتیجه بی ثمر بودن مقاومت ذکر شده است. به عنوان نمونه پس از غزوه احد و شکست پیروان پیامبر که مسلمانان تصمیم داشتند با مشرکان بجنگند، مشرکان و منافقان برای ایجاد رعب و وحشت میان مؤمنان، شایع کردند که ابوسفیان با لشکری از نیروهای نظامی و تسلیحات بسیار، آماده حمله به مسلمانان هستند و حتی از مؤمنان می خواهند که از آنان بترسند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ...». (آل عمران/ ۳، ۱۷۳) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۸۶/۲) این اقدام به منظور جلوگیری از حضور مسلمانان در جنگ انتشار یافت. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۴/۴) همچنین در ماجرای غزوه احزاب که حفظ صلابت و روحیه ایستادگی در برابر دشمن ضروری است، قرآن از سه گروه منافقان، بیمار دلان و شبهه آفرینان نام می برد که در صدد آسیب رساندن به جبهه مقاومت برآمده اند. الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ (احزاب/۶۰) مرجفون از ارجاف به معنای متزلزل

ساختن عقیده، سلوک و رفتار دیگران با اشاعه باطل است. (مصطفوی، پیشین: ۶۷/۴) و مقصود کسانی است که هرچند از زمره مسلمانان بودند اما با بزرگ‌نمایی دشمن، در جامعه اسلامی دلهره ایجاد می‌کردند و از تعبیر «فِي الْمَدِينَةِ» استفاده می‌شود که اتفاقاً آن‌ها در جهاد حاضر نمی‌شدند اما در شهر شایعه می‌کردند که مسلمین شکست خوردند و کفار پیروز شدند یا پیامبر اسلام شهید شد و در نتیجه سب نگرانی مردم می‌شدند. (طوسی، پیشین: ۳۶۱/۸) از نگاه قرآن کریم فساد انگیزی این سه دسته به حدی است که آن‌ها را ملعون دانسته که در صورت عدم تنبه و ترک اقدامات خود، مستوجب قتل می‌باشند. مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخَذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا. قرآن افزون بر منافقان، به تردید آفرینی‌های شیطان اشاره می‌کند و آن را عاملی در فرار و عدم پایداری مؤمنان در جنگ معرفی می‌کند و با تعبیر حصر گونه می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَمَّى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا (آل عمران/۱۵۵) به‌ویژه که گاه برخورداری دنیوی دشمن می‌تواند در بزرگ جلوه داده‌هیمنه دشمن مؤثر افتد که خداوند متعال در این باره هم هشدار می‌دهد لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَادْخُلُوا جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (الحجر، ۸۸) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ص ۱۳۱) این راهبرد در دوران مدینه هم جریان دارد و در سوره توبه نیز ذکر شده است وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (التوبة، ۸۵)

۳. بدگمانی به وعده‌های الهی

پیگیری و جستجوی موارد بدگمانی و سوءظن مسلمانان به خداوند و نصرت او در قرآن کریم، مبین این معناست که غالباً در صحنه‌ها و لحظه‌های حساس و مخاطره‌آمیز، نوعی تردید در دل و جان مسلمانان رخ می‌نماید تا آنجا که پیوند ایمانی آنان با خداوند مورد آسیب قرار می‌گیرد و گاه تا سر حد شک و تردید در دعوت رسولان پیش می‌رود و در نتیجه روحیه مقاومت و پایداری را از آنان سلب می‌کند. در مورد غزوه احزاب آمده است إِذْ زَاغَتْ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا (احزاب/۱۰) ظن در آیه مساوق با شک دانسته شده است (بحرانی، پیشین: ۸۵۴/۵) برخی از مفسرین مخاطب در آیه را مؤمنان (آلوسی، پیشین: ۸۰/۹) و برخی دیگر منافقان حاضر در احزاب (طباطبایی، پیشین: ۲۸۵/۱۶) دانسته‌اند، و مصداق سوءظن را گمان به عدم نصرت خداوند، اضطراب و تزلزل شدید، فریب و ناتوانی خدا و رسول او در دفع دشمن

و قهرا شکست در برابر مشرکان، ذکر کرده‌اند. ما وَعَدْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِلَّا غُرُورًا (احزاب/۱۲) (طباطبایی، پیشین: ۲۸۵/۱۶؛ مغنیه، پیشین: ۱۹۹/۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۴۲۴/۷) مورد دیگری که دل‌وجان مسلمین به سوءظن و بدگمانی آلوده شد مربوط به صلح حدیبیه است. وَ ظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (فتح/۱۲) آنان گمان کردند که حیات پیامبر و رسالت او به پایان رسیده و دیگر رجعت و برگشتی به مدینه نخواهند داشت و همه به دست مشرکین کشته خواهند شد (ابوحیان اندلسی، پیشین: ۴۸۸/۹) (ابن عاشور، ۱۳۹/۲۶) و یا این پندار که خدا رسولش را یاری نمی‌کند و دین خود را غلبه نمی‌دهد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۶۹/۱۶ و طوسی، پیشین: ۳۱۷/۹) همچنین در آیه ۱۵۴ آل عمران و غزوه احد یُظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ (آل عمران/۱۵۴) قرآن کریم با اشاره به دو طایفه از مسلمانان، از سوءظن و گمان بد یک دسته از آنان به خداوند خبر می‌دهد تا جایی که اندیشه‌های شرک‌آمیز جاهلیت در افکارشان رخ نمود و می‌گفتند: هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ. (احزاب/۱۵۴) آیا برای ما - در اختیار ما یا به سود ما - از حق یا فرمان و تدبیر امور بهره و خیری هست؟ این استفهام نمودار اضطراب فکری و یا دریافت نابجا و اندیشه جاهلیت آنان است که گمان می‌کردند همین‌که پیامبری است و وحی و نبوتی، تدبیر و مسیر خدا به دست او و پیروان وی هست. (طباطبایی، همان: ۴۷/۴ و طالقانی، ۱۳۶۲: ۳۸۷/۵) جمعی از مفسران فاعل یُظُنُّونَ بِاللَّهِ را منافقین دانسته‌اند که در جبهه مسلمانان حاضر شده بودند (طوسی، پیشین: ۲۳/۳ و ابن عاشور، پیشین: ۲۵۷/۳) و برخی دیگر معتقدند که یظنون بالله دسته دیگری از مؤمنان و مسلمانان بودند و منظور، از مؤمن بودنشان تنها همین است که جزء منافقین که خدای تعالی در آخر گفتار با جمله وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ (آل عمران/۱۶۷) به شرح حالشان پرداخته، نبودند. منافقین آن‌هایی بودند که از همان اول امر و قبل از شروع جنگ از مؤمنین جدا شدند و خود را کنار کشیدند. (طباطبایی، همان: ۵۰/۴)

۴. تردید در نتایج مقاومت

به‌طور منطقی ملازمت و پایداری بر اصول و ارزش‌ها به‌منظور دستیابی به اهداف، مستلزم محاسبه، پذیرش و صرف هزینه‌های مادی و معنوی است. به‌عبارت‌دیگر مقاومت در برابر دشمن جدای از عقلانیت و محاسبه سود و زیان آن نیست. برآورد هزینه مقاومت و مقایسه آن با

دستاوردها و برآیندهای مقاومت یکی از پرسش‌هایی است که در اذهان افراد وجود داشته است و در قرآن نیز به‌ویژه در حوادث و رخدادهایی از قبیل جهاد و غزوات پیامبر و همچنین صلح حدیبیه بازگو شده است. به‌عنوان نمونه در جنگ احد پس از شکستی که به مسلمانان رسید خداوند در مقام ارزیابی نتایج آن و تسکین قلوب می‌فرماید: **إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ** (آل عمران/۱۴۰) اگر شما را آسیبی رسیده است آن قوم را نیز آسیبی همانند آن رسیده و این روزها را میان مردم می‌گردانیم. مقصود از قرح جراحت و زخم‌هایی است که از بیرون بر بدن وارد شده است (مصطفوی، پیشین: ۲۳۰/۹) در این آیه خداوند در مقام سنجش سود و هزینه مقاومت به مسلمانان گوشزد می‌کند که اگر بر مبنای محاسبات ظاهری هم قضاوت نمایید. هزینه تحمیلی بر شما به همان میزان طرف مقابل است و از این جهت نیز شما پیروزید؛ اما در ادامه به اثر تربیتی مهم جهاد که همان تمایز و جدایی مؤمنین از غیرمومنین است اشاره می‌کند، که البته این نتیجه قابل سنجش با هیچ مقیاسی نیست. **«وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ»** - (آل عمران/۱۴۰).

پرسشی که اکنون مطرح می‌شود این است که آیا از نگاه قرآن مقاومت تنها با شاخصه‌های معنوی از قبیل آنچه در بالا آمد قابل سنجش است یا مقاومت در قرآن از بعد نتایج مادی و دنیوی نیز قابل ارزیابی است؟ گذشت که مقاومت و پایداری مؤمنان به‌منظور حفظ ارزش‌های الهی است و در واقع اصل و علت فاعلی و غایی مقاومت و پایداری، نصرت دین خداست اما در عین حال آثار مادی و دنیوی نیز به همراه دارد. برخی از این آثار عبارت‌اند از امنیت، آرامش روحی-روانی، نزول برکات و گشایش در امور دنیوی.

۱. امنیت و آرامش: قرآن کریم در آیه **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا** **فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** (احقاف/۱۳) عدم خوف و حزن را به‌عنوان پیامدهای مقاومت ذکر کرده است. یعنی گروهی که معتقد به ربوبیت پروردگار هستند و بر آن استقامت می‌نمایند هرگز بر آنان بیم و هراسی رخ نخواهد داد و نیز حزن و اندوه به آنان عارض نخواهد شد. برخی عدم خوف را مربوط به آنچه که از امور آخرت در پیش است و عدم حزن را به عدم نگرانی پس از خود نسبت به اهل بیت و فرزندان دانسته‌اند که این نهایت درجه مطلوب مؤمن است. (طبرسی، پیشین: ۱۸/۹)

۲. توسعه در رزق: در آیه ۱۶ سوره جن آمده است: **وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ**

ماءٌ غَدَقًا (جن/۱۶) در برخی از روایات ماء غدقا را به علم تعبیر کرده است. برید عجلای از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: معناه لافضناهم علما کثیرا یتعلمونه من الأئمه (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۵۰۹) اما غالب مفسرین ماء غدقا را به معنای عام و کنایه از توسعه در رزق دانسته‌اند (ابوحیان اندلسی: ۳۰۰/۱۰) و برخی مضمون آن را نظیر آیه «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/۹۶) که تقوا موجب فزونی ارزاق مادی و وفور نعمت و آبادی و عمران و برکت مادی نیز هست. (طبرسی، همان: ۵۵۹/۱۰ و طباطبایی، پیشین، ۴۶/۲۰) در منابع تفسیری تسنن نیز توسعه در رزق دنیوی ذکر شده است. قال لو آمنوا کلهم لَأَسْقِنَاهُمْ لَأَوْسَعْنَا لَهُم مِنَ الدُّنْيَا (سیوطی، پیشین: ۲۷۴/۶) نکته قابل توجه این است که در آیه مورد بحث، آنچه مایه وفور نعمت می‌شود، استقامت و ملازمت بر ایمان است نه اصل ایمان، زیرا ایمان موقت و زودگذر نمی‌تواند چنین برکاتی از خود نشان دهد، مهم استقامت بر ایمان و تقوی است. هرچند این آیات و مخاطبین مربوط به عصر نزول و در رخدادهای خارجی خاصی است، اما پیامدها و اوصاف بیان شده عام و همیشگی است.

ب. چالش‌های رفتاری

۱. مدهنه و سستی در برابر دشمن

برآیند افکار و تمایلات افراد در میدان عمل و رفتار بروز و ظهور پیدا می‌کند و کنش تابعی از نگرش تلقی می‌شود. یکی از راهبردهای مهم قرآن در خطاب به پیامبر اکرم که از دوره مکه تا دوران مدینه امتداد داشت پرهیز از سستی در برابر دشمن است. در سوره قلم آمده است فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ وَ دُوًّا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ (القلم/۸-۹) مشرکان از هر راهی تلاش کردند که پیامبر را از دعوتش منصرف و ایشان را به سازش بکشانند. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۸۸/۷) یدهنون از ماده دهن به معنای روغن کنایه از نرمی و مسامحه (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۰/۱۹) و مقدمه‌ای برای نفوذ و شکستن مقاومت جامعه مؤمنان است. در آیه مخاطب پیامبر اسلام قرار گرفته است زیرا ضعف و سستی پیشوای جامعه راه شکست مقاومت جامعه را هموار می‌سازد و از خطرات مهمی که بر سر راه رهبران جامعه قرار دارد، سازش و تسلیم در میانه مسیر است که دشمن از راه تهدید یا امتیاز، زمینه‌های آن را فراهم می‌کند. تا آنجا که گاهی انسان به اشتباه می‌افتد و گمان می‌کند راه وصول به هدف تن دادن به چنین سازش

و تسلیمی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷/۳۶۶-۳۶۷)

۲. نافرمانی از رهبران

قرآن کریم لزوم فرمان برداری از پیامبر چه در دوران محاصره مکه و چه دوره تشکیل حکومت در مدینه را متذکر شده است (نساء/۵۹) و اطاعت از کافران را موجب برگشت به گذشته و خسارت بار تلقی نموده است. *إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ* (آل عمران، ۱۴۹) اطاعت و همراهی با امام و پیشوای جامعه شرط لازم مقاومت و پایداری بر طریق مستقیم است که در صورتی که خللی به آن وارد گردد پیامدهای ناگواری برای جامعه اسلامی در پی دارد. قرآن کریم به عصیان و نافرمانی از پیامبر در موقعیت خطیر غزوه احد اشاره نموده است و *عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِي مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ* (آل عمران/۱۵۲) که منجر به شکست مسلمانان در این واقعه شد. از آنجاکه نگهداری پیروزی‌ها از به دست آوردن آن مشکل تر است این آیه به وضع تیراندازان شکاف کوه عینین اشاره کرده است که جمع زیادی دست به عصیان و مخالفت زدند و خواستار دنیا و جمع غنائم گشتند در حالی که جمعی دیگر ثابت قدم خواستار آخرت و پاداش های الهی بودند. *مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الْآخِرَةَ*.

۳. تنازع و اختلاف

در بررسی چالش های مقاومت، عطف نظر به جنگ احد اهمیت زیادی دارد.^۱ یکی از رخداد های درس آموز که بخش زیادی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است، غزوه احد است که به گفته برخی بیش از ۶۰ آیه سوره آل عمران (آیه ۱۲۰ به بعد) به غزوه احد پرداخته است. (ابن هشام، بی تا: ۱۰۶/۲) ضمن این که در برخی دیگر از آیات قرآن همچون آیه ۱۷، ۳۶-۳۷ انفال، ۱۲۶-۱۲۷ سوره نحل، و ۶۲ سوره نور درباره غزوه احد و درس های آن سخن گفته است. در آیات سوره آل عمران مجموعه ای از مسائل از قبیل تنازع و اختلاف (ابن عاشور، پیشین: ۳/۲۵۷) سلب مسئولیت از خود و مقصر جلوه دادن پیامبر در شکست ظاهری، (ابن عاشور، همان: ۳/۲۵۸) یاس از پیروزی، (مکارم، پیشین: ۳/۱۳۳) سستی در رأی، (طباطبایی، همان: ۴/۴۴)

۱. در این نوشته تمرکز بر ابعاد چالشی غزوه احد شده است و به ابعاد مثبت و ارزشمند آن پرداخته نمی شود.

و اندک شمردن ثمره جنگ و مقاومت را خداوند به جبهه مسلمانان نسبت داده است. (۱۵۴/ آل عمران) نکته حائز اهمیت این است که قرآن علت شکست مسلمانان در جنگ احد را سستی وضعفی که در اثر تنازع و اختلاف در آنان نفوذ کرده بود، می‌داند: «حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ مِنَ الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّن بَعْدَ مَا أَرْكُم مَاتُحِيْبُونَ» (آل عمران / ۳، ۱۵۲) زیرا گروهی از مسلمانان که به محافظت از تنگه‌ای مخصوص مأموریت داشتند، با یک‌دیگر در رها کردن یا استمرار محافظت تنگه، اختلاف کردند و با جدا شدن اکثریت آنان، راه برای هجوم دشمن هموار شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۵۹/۲) چنان‌که در غزوه احزاب نیز منافقان به منظور ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان، یا از شرکت در جنگ دوری می‌جستند (توبه/ ۴۲) یا در بحبوحه نبرد، به بهانه‌ای واهی، جنگ را رها می‌کردند. (توبه/ ۴۸؛ احزاب/ ۱۲) عبدالله بن ابی سردسته منافقان با اهانت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برخی مهاجران را به باد ناسزا گرفت و از انصار خواست که در بازگشت، آنان را با خواری از مدینه بیرون رانند: «يَقُولُونَ لَسَيْنَ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ...» (منافقون/ ۸)، و این امر، آتش فتنه و تفرقه را میان مهاجران و انصار برافروخت که با نزول آیات الهی و دخالت پیامبر (ص) خاموش شد. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵۶/۲۴-۱۵۸)

۴. عدم مرزبندی با دشمن

ایجاد هویت جمعی و تبیین خطوط فکری و مرزبندی بین جامعه دینی و غیر آن به‌ویژه در مقاطع حساس و مخاطره‌آمیز ضروری است. قرآن کریم به این موضوع در سوره کافرون پرداخته است (الکافرون/ ۴-۶) و در سوره یونس متذکر شده است و إِنَّ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (یونس/ ۴۱؛ ۱۰۴-۱۰۶؛ ممتحنه/ ۴؛ یوسف، ۱۰۸) مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم و از دست دادن دستاوردهای مقاومت لازم است. زیرا اگر مرزبندی با دشمن برجسته نباشد عبور از آن‌ها همانند مرزهای جغرافیایی ممکن می‌شود در نتیجه زمینه نفوذ و خدعه دشمن فراهم می‌شود و گاه به اظهار دوستی و محبت به آن‌ها منتهی می‌شود. لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ (ممتحنه/ ۱) در این آیه خداوند به مؤمنان انداز می‌دهد که آن‌ها به آنچه شما به آن معتقدید کافر شده‌اند و گذشته دشمنی آنان را به آنان متذکر می‌شود. يَخْرُجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ.

اگرچه که مقاله حاضر به‌منظور تبیین چالش‌ها و تنگناهای مقاومت از منظر قرآن سامان‌یافته

است اما لازم است که به برخی پیامدهای مثبت و سازنده مقاومت همچون إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا ۚ فَصَلِّتُمْ لَهُمْ (۳۰) وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن/۱۶) نظر شود. از این نگاه قرآن اتکا به خدا را ریشه پایداری و استواری و در نهایت، پیروزی دانسته که انفعال‌ها و خلأهای نفسانی را سد می‌کند و ترس‌ها و نگرانی‌های نابجا و ناشی از وهم را می‌زداید تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا (فصلت/۳۰) و انگیزه و روح انسان را راسخ و مقاوم می‌سازد. «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره/۲۴۹) و آنان را به آرامش درونی نوید می‌دهد است. این حالت نفسانی انسان را در رسیدن به اهداف خویش کمک می‌کند و در هنگامه‌های خاص بر مؤمنان نازل می‌شود. (توبه/۳۶) چنان‌که اصحاب کهف در برابر مردم و حکومت مشرک و توحید ستیز دوران خویش ایستاده و بر توحید و ربوبیت الهی و نفی شرک پای فشرده و مقاومت کردند: «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِهَا إِلَهًا (کهف/۱۴) و در آیه دیگر فلاح و رستگاری را پاداش اهل مقاومت ذکر می‌کند. الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجْهَهُمْ لِلَّهِ بِمَا مَوْلَاهُمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه/۲۰) و فرجام و پایان آنان بهشت موعود الهی است. أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت/۳۰)

نتیجه‌گیری

محتوای این مقاله در دو بخش توضیح مفهومی و تبیین چالش‌های مقاومت ارائه شد. در بخش اول با توجه به آراء و نظریات اهل لغت و مفسرین گفته شد که مقاومت دارای معانی مختلفی از قبیل اعتدال، توسط و دوری از افراط و تفریط، ثبات و پایداری و نیز استمرار و ملازمت است که با توجه به نظریه معناشناسی و دلالت درون زبانی وحی الهی، گفتار لغویین و نیز روایات وارده در ذیل آیات، معنای استمرار و ملازمت ترجیح داده شد. در بعد دوم نیز تبیین شد که مقاومت مثل هر پدیده مثبت دیگر، گاه با برخی چالش‌ها و مشکلات در دو حوزه ادراکی و کنشی مواجه شده است. بدگمانی، تزلزل و تردید در توانایی‌های درونی، بازتولید شبهه‌ها و تردیدهای گوناگون، اختلاف و ناتوانی در تصمیم‌گیری به‌عنوان برخی از چالش‌های مقاومت در عرصه ادراکی و اختلاف و تنازع، نافرمانی از پیشوایان، مداهنه و سستی به‌عنوان چالش‌های

کنشی از نگاه قرآن کریم یاد شد و در نهایت به غزوه احد و آیات مرتبط با آن، به عنوان یکی از رخدادهای درس آموز صدر اسلام اشاره شد.

مقوله مقاومت پدیده‌ای مستمر و همیشگی در مسیر زندگی انسان است و اختصاص به یک مقطع زمانی و یا جغرافیای خاصی ندارد و از نگاه قرآن چنین نیست که روزی بر پیروان حق بگذرد و مقاومت نباشد. آنچه در این مقاله آمد گویای ضرورت تبیین و روشنگری نخبگان فکری و سیاسی در زمینه مقاومت و دستاوردهای آن است. امید که جامعه اسلامی ما و در سطحی وسیع‌تر دنیای اسلام با تکیه بر عنصر ایمان و الهام از آیات الهی ضمن شناخت عمیق چالش‌ها و تنگناهای مقاومت، بر مجموعه آن‌ها فائق آید.

مطالعات
بیداری اسلامی

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲. ابن اثیر (۱۳۶۴). النهاية فی غریب الحدیث والأثر تحقیق محمود محمد الطناحی، قم: مؤسسة إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع.
۳. ابن بابویه (صدوق). محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الأخبار، محقق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰). التحریر و التنویر، بیروت: التاريخ العربی.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابن هشام الحمیری المعافری (بی تا). السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة.
۷. أبی هلال العسکری (۱۴۱۲). الفروق اللغویة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.
۸. اندلسی ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر.
۹. ایازی، سید محمد علی و پور افخم، مریم (۱۳۹۳). ایزوتسو و نقد و بررسی دو اثر قرآنی وی، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم، شماره ۳.
۱۰. آرتور اس ربر (۱۳۹۰). فرهنگ روان شناسی، ترجمه یوسف کریمی، تهران: رشد.
۱۱. آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲). بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی.
۱۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة موسسة البعثة- قم، تهران: بنیاد بعثت.
۱۴. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱). سلوک عاشورایی، تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.

۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة محقق احمد عبد الغفور عطار، بی جا: دار العلم للملایین.
۱۷. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). دیدار با اقشار مختلف مردم قم [سخنرانی]. <https://farsi.khmeni.ir/speech-content?id=35367>
۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴). لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. ذوعلم، علی (۱۳۸۴). تأملی در مفهوم چالش، ماهنامه زمانه، سال چهارم، شماره ۳۶.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار العلم.
۲۱. زمخشری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۲. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹). ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغة، محقق صالح صبحی، قم: هجرت.
۲۵. شهیدی، سید مهدی (۱۳۸۸). معناشناسی واژه استکبار در قرآن بر مبنای نظریه ایزوتسو، معرفت، آبان ماه، شماره ۱۴۳.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۷. صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸). رسانه و مدیریت بحرام، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۸. صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۷). اندیشه مقاومت در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۹. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۳۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين، سید احمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۳۳. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، مصر: نهضة مصر.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. طیب، عبد الحسین (۱۳۶۹). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناشر اسلام.
۳۶. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق.
۳۷. عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: موسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۳۸. فخرالدین رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب، بیروت: احیاء التراث العربی.
۳۹. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). العین محقق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت.
۴۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۴۲. گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸). تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۳. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
۴۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۶. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۸. واسطی، زبیدی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس مصحح علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.